

گفت‌وگوی صریح و بی‌پرده شهرآرا با رئیس پلیس مشهد؛ از اغتشاشات همراه تا مسمومیت‌های دانش‌آموزان

شلیک گلوله ۹۰ میلیونی از توپخانه مجازی

گفت‌وگوی ویژه



محمدجواد ابوعطا

نمی‌دانم سرهنگ احمد نگهبان چندمین رئیس پلیس مشهد است که در ساختمان سبزرنگ حاشیه بولوار وحدت، چندصدمتر دورتر از میدان عدالت(اعدام سابق) برای مصاحبه به سراغش می‌روم. زمانی وارد اتاقش می‌شوم که مانند همیشه ایستاده به استقبال می‌آید. تلاشم بر این بود که پس از وقت اداری به سراغش بروم تا هم‌وغم کارهای بر زمین‌مانده را نداشته باشد. اما فراموش کرده‌بودم که دوشنبه‌ها پلیس زودتر به خانه می‌رود و روزی با عنوان خانواده دارد. در خلال صحبت‌ها نیز مشخص می‌شود که این مرد

کلانتری بانوان مشهد رقتم. خانمی سارق را دیدم که شوهرش هم سارق و زندانی بود و خودش هم اموال سرقتی را می‌فروخت. او یک صلوات شمار دستش بود. پرسیدم چه می‌کنی؟ گفت از صبح تا حالا ۱۲ هزار صلوات فرستادم. پرسیدم که نماز ظهر خوانده‌ای؟ گفت خوانده‌ام. پرسیدم پیش از اینکه به بازداشتگاه بیایی هم نماز می‌خواندی؟ گفت بله، فقط نماز می‌خواندم. مشکل اینجا بود که او سه پسر شش‌ماهه، هفت‌ساله و نه‌ساله داشت که مادر بیماراش از بچه‌ها نگهداری می‌کرد. وضعیت این بچه‌ها چه می‌شود؟ شوهرش بام‌روشی می‌کرده و ورشکسته شده و معناد است و او مثلا یک دوچرخه می‌دزدد و می‌فروشد و همان را خرج خوراک و موادمخدر شوهرش می‌کند. اگر از این‌ها حمایت نشود، قطور می‌شود جلو ورود افراد به چرخه جرم را گرفت؟

اگر پلیس نمی‌شدید، دوست داشتید چه‌کاره شوید؟ استاد دانشگاه می‌شدم، رشته مدیریت. از کودکی دوست داشتید چه‌کاره شوید؟ فرصت تحصیل داشتم و خانوادگی سطح تحصیلاتمان بد نیست. یک برادرم پزشک است. خودم به محض اینکه دیپلم گرفتم، وارد دانشکده افسری شدم. شاید کلیشه‌ای باشد که بگویم از ابتدا دوست داشتم پلیس شوم، اما به محض گرفتن دیپلم، وارد نظام شدم. آیا پلیس مشهد به بلوغی رسیده است که بتوانیم بگوییم هیچ مجرمی نمی‌تواند از دستش فرار کند؟ اگر پلیس اراده کند و بخواهد، هر جرمی حتما به کشف منجر نشود. مجرمی نیست که پلیس نتواند بگیرد. اما با نیروی انسانی، تجهیزات و امکانات. یک انسان چقدر می‌تواند کار کند؟ الا آن اگر هر پلیس مشهد به اندازه پنج نفر کار نکنند، امور ترافیکی و انتظامی مشهد انجام نمی‌شود. یعنی این تعداد نیرو باید پنج‌برابر شود؟ بله، باید پنج‌برابر شود. تاکنون شده است که متهمی از دست شما فرار کند؟ از دست خود من. خیر. کسانی که متهم از دستشان فرار می‌کند، چه اتفاقی برایشان می‌افتد؟ اولین اتفاق این است که فرد ملزم می‌شود تا متهم را دستگیر کند. بیش از ۹۰درصد همان مأموران با همکاری دیگر مأموران مجرم را دستگیر می‌کنند. حالا اگر متهمی

دستگیر نشود، باید برود برابر سیستم ما در دادسرای نظامی باطلی کردن مراحل سخت و پیچیده پاسخگو باشد. امسال اغتشاشات را پشت سر گذاشتیم و شما و نیروهایتان کف میدان بودید. در این مدت بر پلیس چه گذشت؟ من چیزی را که در مشهد اتفاق افتاد و ۱۰درصد حوزه جغرافیایی مشهد را درگیر کرده بود، دیدم. صوری، خوششتن داری و سعه‌صدر بود. اغتشاشات با لطف و همکاری مردم و تلاش مجموعه نهادهای امنیتی جمع شد، اما در مشهدنه اتوبوسی آتش گرفت. نه بانکی سوخت و نه اموال عمومی تخریب شد. پلیسی که در اغتشاشات سوخت، وضعیتش چه شد؟ اکنون در محل زندگی‌اش، شهرستان سبزوار، درمانش ادامه دارد. هر دو هفته یک‌بار برای انجام کارهای درمانی به مشهد منتقل می‌شود.

در این مدت، زمانی بود که دلتان برای اغتشاشگران بسوزد؟ هم‌ا ش دلم برای آن‌ها می‌سوخت. آن‌ها درباره چیزی حرف می‌زدند که اصلا وجود نداشت. مثلا زنی سی‌ودوساله به من مراجعه کرد و پرسید که درست است، شما آن‌هایی را که در خیابان می‌کشید، برای اینکه به خانواده‌هایشان تحویل بدهید، پول می‌گیرید؟ پرسیدم چقدر می‌گیریم؟ گفت که برای هر گلوله ۹۰میلیون تومان و شرط می‌گذارید تا زمانی که پول را نپردازید، جنازه را نمی‌دهیم. آدم می‌ماند که روی چه منطقی این حرف را می‌زند. آدم دلش می‌سوزد. یادم است که خیلی وقت و انرژی گذاشتم و تا اندازه‌ای هم توانستم قانعش کنم. متأسفانه این‌ها آن قدر تحت‌تأثیر فضای مسموم و بمباران شبکه‌های معاند هستند که هیچ حرفی را قبول نمی‌کنند. یکی دیگر از جاهایی که خیلی دلم سوخت، همین مجید هنورد بود. پس از اینکه دستگیر شد، پشیمان شده بود و تازه فهمید که چه کار کرده است.

خودتان با او صحبت کردید؟ بله، مستقیم صحبت کردم. تغییر کرده بود. زمانی که قداص شد، دلم خیلی سوخت که سه جوان را از دست دادیم. دو نفرشان دسته گل بودند و خدما نشان به شهرودان مشخص بود. خود هنورد هم قبول داشت و می‌گفت دوتا از برادرانم را کشته‌ام و حالا باید قصاص شوم و همه افرادی را که در این مسیر او را فریب داده بودند، نفرین می‌کرد. می‌گفت من آدمی نبودم که بخواهم این طوری از دنیا بروم، اما تأثیر شبکه‌های معاند

آخرین پرونده‌ای که شخصا به آن رسیدگی کرده‌اید، چیست؟ همین ساعت ۳ صبح امروز، متهمی شیشه‌های هفت خودرو پارک‌شده در خیابان پنجتن را شکسته بود. شبانه دستور دادم و رئیس کلانتری و همکارانم اقداماتی انجام دادند تا سریع این شرور را دستگیر کنیم و با کارهای انجام‌شده ساعت ۱۱ امروز دستگیر شد. یا شب دیگری فردی جلو دبیرستان پسرانه بستهای پرتاب کرده بود که شبانه به آن رسیدگی کردیم.

در حوزه مسمومیت دانش‌آموزان بود؟ بله، در این پرونده فردی از پنجره خانه‌اش دیده بود که یک راننده سمند بسته‌ای را به سمت دبیرستان پسرانه‌ای پرتاب کرده و بسته پشت در افتاده است. بلافاصله اطلاع داده بود و واحد گشت ۱۱۰ وارد محل شد و همکاران ما در عملیات ویژه نیز به محل رفتند و توانستند راننده سمند را دستگیر کنند. او مدعی بود که برای گربه‌ها غذا انداخته است. نکته جالب اینجا بود که بابای مدرسه می‌گفت من مسموم و دچار حالت تهوع و سرگیجه شده‌ام. اکنون هم پرونده تحویل استان شده است.

اکنون وضعیت مدارس چطور است؟ همه مدارس مشهد به‌صورت نامحسوس در کنترل پلیس هستند. ضمن اینکه خود مدارس اقدامات خوبی انجام داده‌اند و به دوربین‌های مدار بسته مجهز شده‌اند. جامعه اطلاعاتی استان و مشهد نیز فعال‌اند و امروز در هیچ‌یک از مدارس مشهد مشکلی نداریم. حتی روزی که به پنج مدرسه حمله شد، خودم شخصا به سه مدرسه رفتم. همه چیز مشاهده می‌شد، به‌جز مسمومیت. دانش‌آموزی ادعای کرد مسموم شده است، اما پنج دقیقه بعد حالش خوب بود. مشخص نبود که این موضوع تنفسی، تلقینی است یا یک شوخی بین دانش‌آموزان بود. درباره مسمومیت‌ها دستگیری هم داشتید؟ دستگیری هم داشتیم، اما هنوز چیزی بیرون نیامده است. نفراتی که ما دستگیر کردیم، هفت نفر بودند که پرونده‌شان در دست بررسی است. متهمان با مدرسه ارتباطی داشتند؟

هیچ ارتباطی میان آن‌ها و مدارس وجود نداشت. کسی را در مدرسه نداشتند. یک مورد در ده‌غیبی دستگیر کردیم که ترافه‌ای درون مدرسه‌ای انداخته بود. این فرد خودش تحصیلات ابتدایی داشت و ترک تحصیل کرده بود. اما هنوز به مرحله اطلاع‌رسانی عمومی نرسیده است. در مدارس هیچ مشکلی نداریم و همه مدارس مشهد در طول شبانه‌روز کنترل می‌شوند. وقتی فردی شبانه جلو یک مدرسه پسرانه توقف می‌کند و خود شهروندان تماس می‌گیرند، این یعنی مردم و پلیس و دست‌اندرکاران مدارس حساس شده‌اند.

در میان دستگیرشدگان کسی هم بود که ارتباطی با مدرسه داشته باشد؟ از میان دانش‌آموزان هم دستگیری داشتید؟ نه‌خیر، هیچ‌کسی از افراد با مدرسه مرتبط نبوده و برای اظهارنظر کردن در این زمینه هنوز زود است. شما خودتان دختر دانش‌آموز دارید؟ من دو پسر چهارده و شش‌ساله دارم. اما برادرها و خواهرهایم دختر محصل دارند و در طول این مدت همه از من می‌پرسیدند که وضعیت مدارس چگونه است و به همه می‌گفتم نگران نباشید و با خیال راحت بچه‌هایتان را به مدرسه بفرستید، همه‌اش فضای روانی است. اگر فضای روانی را هزار در نظر بگیریم، فضای حقیقی این ماجرا عدد یک بود.

برای اطرافیان خودتان مسمومیت اتفاق نیفتاد؟ خیر، اتفاقی برای اطرافیان من نیفتاد. اطراف‌خودم نیز معلم و مدیر مدرسه وجود دارد که وقتی می‌پرسیدند، گفتم خیلی ضعیف است و فضای روانی ترس ایجاد کرده است. من خودم فرزندانم را در همه مدت بدون نگرانی به مدرسه می‌فرستادم.

پسرانم گفت که بهتر است مدرسه نرود؟ پسر خودم می‌گفت که در مدرسه عده‌ای نیامده‌اند و عده‌ای می‌گویند نرویم، اما از آنجا که می‌دانستم خطری وجود ندارد، به رفتن تشویقش کردم و به مدرسه رفت و مشکلی هم پیش نیامد. شما در مصاحبه‌های قبلی از روان‌شناسی جرم در مشهد و مطالعه درباره متهمان صحبت کردید. با این پیش‌فرض، بیشترین علت وقوع جرم به دست پزشکان چه بوده است؟ مؤلفه‌های زیادی است که فرد به اینجا می‌رسد، از مصرف موادمخدر گرفته تا تربیت خانوادگی، محیطی که در آن رشد کرده، وراثت و ژنتیک. کسی که مجرم شده، مجرم به دنیا نیامده است و در طول زندگی‌اش متأسفانه اتفاق‌هایی می‌افتد و به این مسیر می‌رود و خودش هم انگیزه‌ای برای برگشتن ندارد. تا اینکه پلیس به سراغش می‌رود و با برخورد سخت دستگیر می‌شود.

دستگیری افراد چه میزان در بازنگشتن فرد به جرم تأثیرگذار است؟ همه مجرمانی که دستگیر می‌کنیم، سابقه‌دار هستند. یعنی اگر دستگیری همراه با تربیت نباشد، تأثیری ندارد. باصرف دستگیری و زندانی کردن، اتفاق خاصی نمی‌افتد. یعنی دستگیری‌ها با شیوه کنونی بازدارنده نیست؟ البته فرد را از محیط دور می‌کند. مجرم همیشه مجرم است و تا زمانی که در زندان باشد، نمی‌تواند جرم انجام دهد. اکنون در کشورهای به‌روز دنیا، برخی مجرمان را همیشه در زندان نگه می‌دارند تا در دسترس باشند. در ایران این اتفاق نمی‌افتد؟ اینجا نیز همین گونه است و مرخصی سارقان را در محدوده تعطیلات عید کم می‌کنیم. یا زمان‌هایی که مردم خانه‌هایشان خالی است، به آن‌ها مرخصی نمی‌دهیم. علت همین است که اعتمادی به این افراد نیست. یعنی این‌ها تا زمانی که در زندان هستند، مرتکب جرم نمی‌شوند. چه اتفاقی می‌تواند جلوگیری از جرم را بگیرد؟ نظر شخصی خودم این است؛ مجرمانی که خانواده و فرزند دارند، باید به هر طریقی تحت‌مراقبت قرار بگیرند و شغل و کار برایشان مهیا کرد و همیشه از آن‌ها محافظت شود. زیرا بیشتر سرپرستان خانواده‌ای که زندانی هستند، تعداد فرزندان زیادی دارند. چند شب پیش به بازداشتگاه

تاکنون شده است که هنگام دستگیری متهم دست به اسلحه ببرد و شلیک کند؟

زیاد. من در هجده سال خدمت، پوتین پایم بوده است. تیراندازی هم زیاد کرده‌ام، اما به لطف خداوند تاکنون تیرهایم منجر به فوت کسی نشده است. مثلا در اتوبان شهید بابایی تهران خودرویی را تحت تعقیب قرار دادم و به چهار چرخش شلیک کردم و چپ کرد و در فضای سبز به روی سقف ایستاد، اما چهار سرنشینش که پسر جوان بودند، طوری نشدند. یا زمانی که تیراندازی می‌کردم، حتما به پای مجرمان می‌زدم و طوری به پا می‌زدم که سارق در ادامه زندگی‌اش همه‌کار می‌توانست بکند، به جز سرقت.

رسیدگی به سرقت از زائران چطور است؟ آیا رسیدگی به سرقت از زائران و مجاوران متفاوت است؟

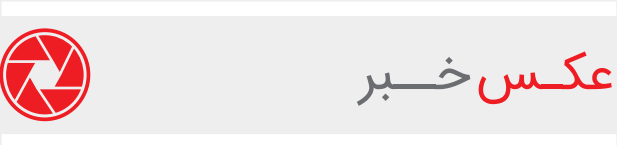
صددرصد همین‌طور است. زائران را برکت این شهر می‌دانم و زمان کودکی خودم از شهرستان تربت‌حیدر به وروستای دور افتاده سیوکی به همراه پدرم و خانواده آخر تابستان به مدت پانزده روز به مشهد می‌آمدیم و خیلی خوش می‌گذشت. خودم بین زائر و مجاور تفاوت قائلم و خیلی به آن رسیدگی می‌کنم. خیلی مواقع مجموعه پلیس به مال باختگان کمک مالی می‌کند. برای هر زائر سه دغدغه داریم، یکی اسکان آن‌ها، دوم اوراق و تهیه خورد و خوراک و سوم امنیت که خودرو پارک‌شده‌اش سرقت نشود. بارها برای دوستان و همکاران خودمان در مشهد چنین اتفاقی افتاده است و از لحاظ کشف هم کمک کرده‌ایم.

بیشترین سرقت از زائران مختص چیست؟ سرقت محتویات داخل خودرو است. یک معناد متجاهر شیشه خودرو را می‌شکند و هرچه را بتواند، می‌دزدد. در مجموع ۷۰درصد سرقت‌های مشهد در حوزه محتویات خودرو است.

وضعیت جرم در مشهد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مشهد شهر امنی است و احساس امنیت در آن وجود دارد، اما برخی جرایم مانند سرقت خانه، سرقت مغازه و محتویات داخل خودرو ما را آذیت می‌کند. ما در مشهد چند مشکل داریم، یکی اینکه تعداد زیادی خانه در مشهد بملکان شده و با تجهیزات کامل وجود دارد که مالکانشان سالی یک‌بار می‌آیند مشهد. اینجا طوری است که حتی از شهرهای اطراف طرف با پولی که داشته، یک خانه خریده است و احتمال سرقت از این خانه‌ها ۸۰درصد است. متأسفانه بیشترین حوزه سرقت‌های ما سارقان در حرکت هستند و مقیم مشهد نیستند. بیشترشان از استان‌های غربی می‌آیند و چندماه خانه اجاره می‌کنند و چند سرقت منزل انجام می‌دهند و اگر گیر نیفتند، با پول خارج می‌شوند. من خودم یک سارق منزل صحبتی داشتم. اواسط بهار بود و قبلا توسط پلیس مشهد دستگیر شده بود و دوباره به دلیل سرقت دستگیر شده بود. از او پرسیدم تو چرا ول می‌شده نیستی و چرا به تهران می‌روی؟ که با استانتان فقط پنج ساعت فاصله دارد، نمی‌روی؟ جواب جیبی داد. گفت که در مشهد اگر سه تا خانه را بزنی، همه‌شان طلا دارند، اما در تهران اگر پانزده خانه را بزنی، احتمالا فقط سه خانه طلا داشته باشد. می‌گفت خانواده‌های مشهدی غالبا پولشان را به طلا تبدیل می‌کنند. ما موردی نداشته‌ایم که خانه‌ای سرقت شود و طلا از آن ندرزدند. غالبا ده‌برابر مصرف یک فرد طلا و سکه در خانه نگهداری می‌کنند.

مورد خاصی هم یادتان است؟ بله، یادم است که منزل مادری را سرقت کرده بودند و او به محل کار من مراجعه کرده بود و می‌گفت که حتی طلاهای سر عقلم را نفروخته بودم و داخل لوله بخاری جای امنی درست کرده بودم، اما همه را دزدیده‌اند. علت اینکه سرقت برای سارقان حرفه‌ای در مشهد جذابیت دارد، این است که محال است در خانه‌ای طلا پیدا نشود.

وضعیت موبایل‌قاپی‌ها در مشهد چطور است؟ روندش رو به کاهش است و علت آن هم سه موضوع است؛ یکی همراهی خود شهروندان که به این آگاهی رسیده‌اند که نباید گوشی گران‌قیمت دست بچه‌هایشان بدهند و مراقب باشند. موضوع بعدی این است که ما ۶۹باند سارق موبایل را در چهار ماه گذشته دستگیر کرده‌ایم و اقدام مؤثر دیگری هم که انجام شد، چرخه‌ها را قطع کردیم و افراد زیادی که متقاضی خرید موبایل بودند و سارقان را به سرقت مدل‌های خاص موبایل دعوت می‌کردند، دستگیر کردیم. حتی گاهی گوشی‌های سرقتی را به افغانستان می‌فرستادند. از مرز تا مرکز اقداماتی شد و جلو تکرار جرم را گرفت. نمونه‌اش هم موبایل‌قاپ‌های الهیه که نفر سومشان هم دستگیر شد.



دومین حادثه خونین چهارشنبه سوزی مشهد

مهدی قرآنیا دومین حادثه چهارشنبه سوری امسال مشهد در شامگاه دوشنبه در بولوار طبرسی شمالی رقم خورد. هنوز این شب پرحادثه از راه نرسیده است، اما برخی افراد به پیشواز چهارشنبه آخر سال رفته‌اند و علاوه بر به‌خطر انداختن جان خود، برای دیگر شهروندان نیز فضای شهر را ناامن کرده‌اند. در اتفاقی دل‌خراش چهار جوان هنگام ساخت مواد محترقه به‌شدت مصدوم شدند. بنا بر اعلام روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی مشهد، این حادثه در یک ساختمان مسکونی با انفجار همراه بوده است. آتش‌نشانان و نجاتگران ایستگاه ۸ آتش‌نشانی به محض دریافت این خبر، خود را به خیابان شهید سوختانلو رساندند و ضمن انتقال مصدومان به محل امن، آن‌ها را برای انتقال به بیمارستان تحویل عوامل اورژانس ۱۱۵ دادند. محمد علیشاهی، مدیر روابط عمومی اورژانس مشهد، نیز در این‌باره گفت: به محض اعلام حادثه، پنج دستگاه آمبولانس به محل اعزام شدند. مصدومان نیز به بیمارستان شهیدهاشمی‌نژاد منتقل شده‌اند. به گفته علیشاهی، مصدومان این حادثه بین بیست تا سی سال دارند.

در این حادثه، چهار جوان به شدت مصدوم شدند. این افراد به بیمارستان شهیدهاشمی‌نژاد منتقل شدند. به گفته علیشاهی، مصدومان این حادثه بین بیست تا سی سال دارند.